

تعیین اندازه واحدهای بهره برداری مرتوعی با استفاده از عوامل اکولوژیکی - اقتصادی اجتماعی در حوزه آبخیز شمالی رودخانه کوهرنگ

علی محمد محمدی^۱، سید جمال الدین خواجه الدین^۱ و سید احمد خاتون آبادی^۲

چکیده

حوزه آبخیز شمالی رودخانه کوهرنگ با وسعتی معادل ۶۸۴۳۷ هکتار در شمال غربی استان چهارمحال و بختیاری بین طولهای جغرافیایی ۵۴° ۴۹' تا ۵۰° ۹' و عرضهای جغرافیایی ۳۲° ۳۶' تا ۳۲° ۳۶' واقع است. از این رو تعادل منطقی بین تعداد بهره بردار و توان تولیدی مراتع و اندازه مناسب گله در واحدهای بهره برداری مرتوعی ضرورت دارد. تعیین اندازه مناسب مراتع به ازای هر خانوار مرتعدار که در این اندازه از مراتع بتواند علاوه بر تأمین نیازهای وابسته به مراتع داری، معيشت مناسبی را برای خانوار ایجاد کند، اهمیت دارد.. هدف اصلی این مطالعه، تعیین اندازه مناسب واحدهای بهره برداری مرتوعی به ازای هر خانوار چهت چرای دام در زمان مناسب استفاده از مراتع با استفاده از عوامل بوم شناختی، اقتصادی - اجتماعی است. در این راستا پس از شناسایی سامانهای عرفی اقدام به تعیین توان تولیدی و ظرفیت مجاز مراتع منطقه مورد مطالعه شد. سپس با بررسی هزینه‌ها و درآمدهای دامداری متکی به مراتع و تعیین درآمدهای حاصل از آن، اندازه مناسب گله به نحوی تعیین شد که بتواند هزینه‌های خانوار را با توجه به سطح معاش تعیین شده، تأمین کند. با اعمال زمانهای مختلف بهره برداری از مراتع، اندازه مناسب مراتع به ازای هر خانوار تعیین گردید. تعادل ۱۰ تیپ گیاهی با ظرفیت ۹۱٪ واحد دامی در ماه در هکتار در حوزه مورد مطالعه گسترش دارد. ۴۶ سامان عرفی و قسمتی از ۶ سامان عرفی در حوزه مورد مطالعه وجود دارد که میانگین هر سامان عرفی معادل ۱۵۱۰ هکتار با تعداد متوسط ۳۶/۸ خانوار در هر واحد است. سهم هر خانوار از اراضی مرتوعی قابل استفاده دام در وضع موجود حدود ۴۱ هکتار است. حداقل اندازه مناسب از مراتع و دام به ازای هر خانوار که بتواند در این اندازه، هزینه‌های سالانه خانوار را تأمین کند به ترتیب ۵۲۰ هکتار و ۱۴۲ واحد دامی از گله‌ای مخلوط با نسبت ۳ به ۲ گوسفند به بزرگی فصل چرای یکصد روزه است. نتایج نشان می‌دهد که توان تولیدی مراتع در وضع موجود در واحدهای مرتوعی تحت تأثیر اندازه گله و سهم هر خانوار از اراضی کشاورزی و تعداد خانوار در هر واحد مرتوعی قرار دارد. واحد مرتوعی و سطح معاش تعریف شده دارای تأثیر معنی‌داری در سطح ۵ درصد بر روی اندازه مناسب مراتع به ازای هر خانوار دارد.

واژه‌های کلیدی: اقتصادی- اجتماعی، سطح معاش، واحد مرتوعی، اندازه گله، حوزه آبخیز کوهرنگ

مقدمه

که ارزش‌های طبیعی، بوم شناختی مراتع در ارتباط با شرایط اجتماعی با تأکید بر توجه به سه عنصر انسان، دام و مراتع در به کارگیری اصول مرتعداری تنها در صورتی امکان پذیر است

۱. به ترتیب دانشجوی سابق کارشناسی ارشد و دانشیار مراتع داری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه صنعتی اصفهان

۲. استادیار توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان

مرتعی تحت اختیار هر خانوار در منطقه آفریقای شرقی باعث ایجاد ظرفیت پایدار بین امنیت غذایی و حفاظت از منابع طبیعی گردیده است. لذا ایجاد رفاه شبانی (Pastoral Welfare) در خانوارهای بهره بردار از امنیت غذایی (Food Security) در سطح اراضی مرتعی بستگی دارد (۱۸). در سرانه هر خانوار از سطح اراضی مرتعی مراتعی بود (۱۸). در مراتعی که تعداد بهره بردار کمتر یا خانوار کمتری حضور دارد و همچنین سهم سرانه هر خانوار از مراتع بیشتر می‌باشد این مراتع دارای وضعیت بهتری هستند (۸).

وسعت مناسب واحدهای بهره برداری مرتعی مساحتی از مراتع است که در چهارچوب آن بهره بردار از مراتع بتواند علاوه بر تأمین کلیه هزینه‌های وابسته به مرتعداری حداقل معیشت خانواده خود را نیز تأمین نماید؛ این هزینه زندگی در نقاط مختلف متفاوت بوده و تغییر می‌نماید (۶).

ارزانی (۱۳۷۸)، حداقل اندازه واحدهای مرتعداری را در مراتع عشایری کوچنده سیستان جهت دستیابی به تعادل پایدار دام و مراتع، صرفنظر از این که تأمین کلیه هزینه‌های سالانه دامدار را ایجاد نماید و موجبات متعادل نمودن تعداد دام با تولید علوفه مجاز قابل برداشت مراتع را نیز ایجاد کند، در مراتع ییلاقی معادل ۲۲۲ هکتار زارع یا مرتعدار نمونه را مطرح می‌کند، نباید اشتباہ شود. در این بخش، یک هدف اجتماعی و اقتصادی توسط سیاستگزار دنبال می‌شود که لزوماً به معنی اندازه بهینه و مطلوب اقتصادی نیست (۱۰). تاملینسون و همکاران، اعلام داشته‌اند اندازه واحدهای مرتعی تحت مالکیت هر شخص، تحت تأثیر نوع استفاده از اراضی مذکور قرار دارد و نوع استفاده در اندازه مورد نیاز مؤثر است و طی تحقیقی در ساوانه‌های نیمه خشک (Semi Arid Savanna) کوازو-لو-ناتال (Kwazulu - Natal) آفریقای جنوبی بیان داشته‌اند اراضی مرتعی که وسعتی کمتر از ۱۰۰ هکتار داشته، نمی‌توانند منفعت و سود مناسبی را ایجاد نمایند (۲۰).

در بررسی به عمل آمده توسط ارزانی و همکاران (۱۳۸۳)، در استان لرستان اعلام نموده‌اند در واگذاری مرتع در قالب طرح‌های مرتعداری در استان مذکور واحدهای مرتعداری که دارای اندازه کمتر از ۵۰۰ هکتار برای یک دوره ۶ ماهه هستند واگذاری آنها مناسب نبوده و حتی الامکان سعی گردد کمتر از اندازه ذکر شده واگذاری صورت نپذیرد. همچنین در این بررسی به ازای هر خانوار تعداد واحد دامی مناسب در طول سال را ۲۰۰ تا ۲۵۰ واحد دامی تعیین نموده‌اند (۱).

واحدهای اقتصادی در نظر گرفته شود (۵).

به اعتقاد رونالد، دی کی (Ronald , D.Kay)، تعداد دام، تعداد کارکنان، ارزش خالص، دارایی‌های کل، سود و عوامل دیگر همه برای اندازه گیری مزرعه بکار رفته و مساحت مزرعه یک مقیاس معمولی و راحت برای اندازه گیری اندازه مزرعه می‌باشد؛ اما تنها برای مقایسه اندازه مزرعه در یک منطقه جغرافیایی محدود باید به کار رود که در آن نوع مزرعه، نوع خاک و آب و هوا خیلی شبیه باشند، روشی است که ۱۰۰ جریب زراعت آبی در کالیفرنیا با ۱۰۰ جریب زمین مراتع خشک در نوادا و آریزونا دارای عملکرد یکسانی نیستند. درآمد نا خالص مزرعه یک مقیاس معمولی اندازه مزرعه می‌باشد. این مقیاس دارای مزیت تبدیل همه چیز به مخرج مشترک پول است. این مقیاس و سایر مقیاس‌هایی که بر حسب واحد پول هستند از هر مقیاس فیزیکی برای اندازه گیری و مقایسه وسعت مزارع در مناطق کشاورزی بهتر می‌باشند (۹). اندازه مطلوب یک واحد تولیدی از دیدگاه نظریه‌های اقتصادی با آنچه که به عنوان حداقل زمینی که درآمد لازم برای تأمین مخارج یک خانوار زارع یا مرتعدار نمونه را مطرح می‌کند، نباید اشتباہ شود. در این بخش، یک هدف اجتماعی و اقتصادی توسط سیاستگزار نیست (۱۰). تاملینسون و همکاران، اعلام داشته‌اند اندازه واحدهای مرتعی تحت مالکیت هر شخص، تحت تأثیر نوع استفاده از اراضی مذکور قرار دارد و نوع استفاده در اندازه مورد نیاز مؤثر است و طی تحقیقی در ساوانه‌های نیمه خشک (Semi Arid Savanna) کوازو-لو-ناتال (Kwazulu - Natal) آفریقای جنوبی بیان داشته‌اند اراضی مرتعی که وسعتی کمتر از ۱۰۰ هکتار داشته، نمی‌توانند منفعت و سود مناسبی را ایجاد نمایند (۲۰).

عمدتاً دامدارانی که دارای مرتع با سطح کمتری هستند تعداد دام مجاز را کمتر رعایت نموده و بیش از حد مجاز، دام وارد مرتع می‌نمایند (۴). رعایت اندازه مناسب گله و سهم سرانه دامدار از مرتع یا به عبارتی دیگر اندازه مناسب واحدهای

تفکیک تیپ‌های گیاهی مرتّعی بر اساس روش فلوریستیک-فیزیونومی (Physiognomy-Floristic) صورت گرفت (۱۹). در نهایت با کار میدانی نقشهٔ تیپ‌های گیاهی منطقهٔ تهیّه شد که در آن اراضی مرتّعی در قطعات دارای پوشش گیاهی همگن تیپ بندی گردید. در این تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری (Stratified Random Sampling) تصادفی طبقهٔ بندی شده است.

پوشش گیاهی نمونه بهره‌برداری گردید. پس از تفکیک و طبقه‌بندی تیپ‌های مرتّعی به صورت تصادفی، اقدام به قرار دادن پلات‌های نمونه بهره‌برداری در هر تیپ گیاهی با توجه به اندازه و تعداد نمونه لازم گردید. برای تعیین تعداد نمونه‌ها، از رابطه (۱) استفاده شد. در این رابطه s انحراف معیار و t بر اساس درجه آزادی $n-1$ و حدود اعتماد ۹۰ درصد از جدول t استیوپنست استخراج گردید و n تعداد نمونه است.

$$n = s^2 t^2 / d^2 \quad [1]$$

$d = kx$ خطای تخمین است که x میانگین پارامتر نمونه و k درصد خطای میانگین نمونه است که برابر ۱۵ درصد در نظر گرفته شد (۷). در این مطالعه با توجه به پراکنش و اندازه گیاهان موجود از پلات‌های 2×2 متر مربع استفاده شد. که حدود ۳۶۶ پلات یا نمونه را در سطح ۱۰ تیپ گیاهی براساس جدول (۱) شامل می‌شود. زمان نمونه بهره‌برداری از اوایل خردادماه تا اوایل تیرماه بود. با استفاده از روش قطع و توزین و محاسبه ضریب وزن خشک به تر هرگیاه و محاسبه ارزش رجحانی و ضریب برداشت مجاز هرگونه گیاهی میزان علوفه مجاز قابل استفاده دام و ظرفیت کوتاه مدت مرتّع محاسبه گردید. برای محاسبه ارزش رجحانی و برداشت مجاز برای گونه‌هایی که این اطلاعات وجود داشت لحاظ گردید و برای گونه‌هایی که این ضرایب تا کنون به دست نیامده است صرفاً برداشت مجاز معادل ۵۰ درصد منظور گردید (۲ و ۱۶). در این مطالعه نیاز غذایی روزانه هر واحد دامی با توجه به وزن دام و کیفیت علوفه حدود ۲ کیلوگرم در نظر گرفته شده است (۳ و ۱۶).

وضعیت مرتّع با استفاده از روش چهار فاکتوری تعیین شد. گرایش مرتّع با استفاده از روش قیاسی (ترازوی گرایش) تعیین

با توجه به بررسی‌های انجام شده توسط دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در استان‌های فارس و کهکیلویه و بویر احمد (۱۳۷۶)، اندازه مناسب گله و سطح مرتّع برای یک خانوار دامدار به ترتیب ۲۲۹ واحد دامی و ۵۳۰ هکتار مرتّع (بهره‌برداری به مدت ۸ ماه از سال) تعریف گردیده است. این اندازه با توجه به متوسط علوفه خشک تولیدی مراتع کشور که معادل ۱۱۹ کیلوگرم در هکتار منظور شده است (۱۰).

تعیین اندازه مناسب واحدهای بهره‌برداری مرتّعی با لحاظ کردن مسائل بوم شناختی - اقتصادی اجتماعی و چگونگی توزیع مرتّع در بین بهره‌برداران لازم بوده و اگر با دقت صورت پذیرید می‌تواند مدیران و کارشناسان را در شناخت مسائل بخش بزرگی از جمعیت بهره‌برداران وابسته به مرتّع یاری دهد و از آن طریق گامی مؤثر در اقتصادی ترکدن طرح‌های مرتّع‌داری و تقلیل فشار بر عرصه‌های مرتّعی خواهد بود. هدف اصلی، تعیین اندازه مناسب واحدهای بهره‌برداری مرتّعی به ازای هر خانوار جهت چرای دام در زمان مناسب استفاده از مراتع با استفاده از عوامل بوم شناختی، اقتصادی- اجتماعی است.

مواد و روش‌ها

حوزه آبخیز کوهزنگ شمالی، بخشی از حوزه کارون شمالی محسوب می‌گردد. از نظر تقسیمات کشوری این حوزه در غرب و شمال غرب استان چهار محال و بختیاری قرار دارد و از توابع شهرستان کوهزنگ است. متوسط ارتفاع حوزه معادل ۲۷۹۰ متر است (۱۷). در سال ۱۳۸۱ اقدام به ارزیابی پوشش گیاهی گردیده که در این سال با توجه به آمار بارندگی ایستگاههای هواشناسی منتخب در منطقه، یک سال نسبتاً نرمال از نظر بارندگی می‌باشد. پس از تعیین حدودات حوزه آبخیز مورد مطالعه، محدوده اراضی مرتّعی و اراضی غیر مرتّعی به کمک عکس‌های هوایی منطقه در مقیاس‌های ۱:۵۵۰۰۰، ۱:۲۰۰۰۰ و هم‌چنین تصاویر رنگی ماهواره‌ای لنست - TM که در ترکیب کاذب رنگی (۷۴۲) RGB قرار دارند و دارای مقیاس ۱:۱۰۰۰۰۰ می‌باشند و بازدیدهای صحراوی، تعیین گردید.

جدول ۱. حداقل تعداد نمونه لازم در هر یک از تیپ‌های گیاهی مرتعی در حوزه مورد مطالعه

| شماره تیپ | نام تیپ گیاهی | میانگین پوشش تاجی در نمونه‌ها | $d = kx$ | تعداد نمونه |
|-----------|------------------------|-------------------------------|----------|-------------|
| ۱ | As. sp- An. Fo | ۱۹/۵۲ | ۲/۹ | ۴۴ |
| ۲ | As. ad- Da. mu(1) | ۲۵/۹ | ۳/۷۷ | ۳۱ |
| ۳ | As. ad- Da. mu(2) | ۳۷/۸ | ۵/۶۶ | ۴۶ |
| ۴ | As. ad- Da. mu- Hu. bu | ۳۸/۰۶ | ۵/۷ | ۲۱ |
| ۵ | As. ad- Ru. sp-Da. mu | ۳۵/۸ | ۵/۳۷ | ۳۸ |
| ۶ | As. ad- An. fo- Da. mu | ۲۳/۷۶ | ۳/۵۶ | ۳۳ |
| ۷ | As. ad-Da. mu- An. fo | ۲۶/۷ | ۴/۰۵ | ۵۳ |
| ۸ | As. ad- Da. mu- Ci. br | ۳۵/۶۷ | ۵/۳۵۱ | ۳۲ |
| ۹ | As. sp- Pr. ul | ۱۷/۹۷ | ۲/۶۹ | ۳۷ |
| ۱۰ | As. sp- Ep. sp- Hr. sp | ۱۹/۷۵ | ۲/۹۶ | ۳۱ |

از پرسشنامه‌ها تعیین گردید. برآورد هزینه‌های دامداری متکی به مرتع از جمله هزینه‌های مربوط به تأمین علوفه مورد نیاز دام شامل علوفه غیر مرتعی و علوفه مرتعی، هزینه‌های بهداشت و درمان، هزینه‌های مربوط به حمل و نقل دام و هزینه‌های چوپانی و سایر هزینه‌های پیش بینی نشده نیز بر اساس پرسشنامه‌های تنظیمی برآورد شد. در نهایت با کسر هزینه‌ها از درآمدهای ناخالص، سود لازم به ازای هر واحد دامی مولد تعیین گردید. تعیین هزینه‌های سالانه خانوارها از دو طریق انجام شد.. روش اول با استفاده از مصاحبه و نظرسنجی از خانوارهای نمونه، و روش استفاده از نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی که هزینه خانوارهای روستایی استان چهار محال و بختیاری و شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی خانوارهای مذکور در سطح استان اعمال شده است (۱۴ و ۱۵). به منظور برآورد حداقل سطح معاش از رویکرد حداقل سطح فقر نسبی استفاده شده است. جهت تعیین خط فقر از روش نصف میانه آماری هزینه‌های خانوارهای نمونه استفاده شد (۱۳). سایر مشاغل غیر دامداری با استفاده از پرسشنامه با مصاحبه و آمارگیری از خانوارهای معرفی گردید. به منظور تعیین اندازه مناسب گله، تعیین معیار یا سطحی از هزینه و یا درآمد خانوار (سطح معاش) مورد نظر است که در آن سطح بتواند نیازهای

گردید (۱۶). جامعه آماری مورد مطالعه جهت جمع آوری اطلاعات اقتصادی اجتماعی را بهره بردارانی در بر دارند که شیوه دامداری آنها متکی به مرتع باشد که به روش «تصادفی طبقه‌ای» نمونه برداری گردید. جمع آوری اطلاعات مذکور، از طریق مصاحبه منظم و هدایت شده و پرسشنامه انجام گردید. به منظور تعیین اندازه نمونه جهت تکمیل پرسشنامه از رابطه (۱) استفاده شد (۷ و ۱۲). k درصد خطای میانگین نمونه ۱۰ درصد در نظر گرفته شده است، n تعداد خانوار نمونه مورد نیاز را تعیین می‌نماید. ابتدا در جامعه آماری مورد نظر به طور تصادفی اقدام به آمارگیری و پرسش از تعداد ۳۰ خانوار در مورد تعداد و نوع دام مولد آنها شده است و با توجه به واریانس نمونه‌ها، تعداد ۱۰۶ خانوار نمونه مورد نیاز (n) در حوزه جهت تکمیل پرسشنامه‌های تنظیمی تعیین گردیده است. به منظور تعیین هزینه‌ها و درآمدهای گله داری متکی به مرتع، اقتصاد و دامداری یک گله یکصد رأس گوسفند و بز به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت و با تنظیم پرسشنامه داده‌ها جمع آوری گردیده و با تعیین درصد ترکیب گله، میانگین وزن انواع دام‌های گوسفند و بز، درصد تلفات، درصد انواع دام حذفی و دام‌های جایگزین، مقدار گوشت تولید شده محاسبه شد. هم‌چنین سایر درآمدهای دام از جمله تولید شیر، پشم و غیره نیز بر اساس اطلاعات حاصل

شمالی رودخانه کوهرنگ به عنوان گونه غالب تیپ محسوب می‌شوند. جدول (۲) فاکتورهای پوشش سطحی خاک و برداشت مجاز در هر یک از تیپ‌های گیاهی در منطقه مورد مطالعه را بیان می‌کند. میانگین وزنی طرفیت مراتع حوزه مورد مطالعه حدود ۰/۹۱ واحد دامی در هکتار در ماه است. مقایسه هزینه‌ها و درآمدهای دامداری متکی به مرتع نشان می‌دهد که در یک گله یکصد رأس گوسفند حدود ۷۱۷۳/۱۴ هزار ریال سود با کسر هزینه‌ها از درآمدهای دامداری حاصل می‌گردد که این رقم در یک گله بزرگ اساس ترکیب گله‌های منطقه مورد مطالعه معادل ۵۷۹۲/۳ هزار ریال است. در این راستا سود حاصل از یک میش بالغ مولد حدود ۱۲۵۴۶۰ ریال و در یک بزرگ‌العمر مولد حدود ۹۸۷۲۳ ریال در سال تعیین می‌شود. جدول (۳) مقایسه هزینه‌ها و درآمدهای دامداری متکی به مرتع در حوزه آبخیز شمالی رودخانه کوهرنگ را نشان می‌دهد. نسبت درآمد به هزینه (Cost - Benefit Ratio) در گله گوسفند معادل ۲/۱۵ و در گله بزرگ ۲/۴۱ است.

درآمدهای غیر دامداری خانوارهای متکی به مرتع در منطقه مورد مطالعه

عملده ترین درآمدهای غیردامداری که توسط بهره‌بردار در حوزه آبخیز کوهرنگ شمالی حاصل می‌شود شامل درآمدهای محصولات زراعی و بافی، صنایع دستی، فعالیت‌های کارگری، درآمدهای ناشی از فروش محصولات فرعی مرتوعی و سایر درآمدهاست. نتایج حاصل از پرسشنامه‌های تنظیمی نشان می‌دهد که بیشترین درآمدهای خالص غیردامداری خانوارها، مربوط به تولید محصولات زراعی غیرعلوفه‌ای است که عمدهاً تولید غلات از جمله گندم را شامل می‌شود. به طور متوسط در طول سال حدود ۲۹۱۰/۶ هزار ریال درآمدهای خالص حاصل از فعالیت‌های خارج از مرتع هر خانوار است.

هزینه‌های سالانه خانوارها

نتایج حاصل از پرسشنامه‌های مربوط به هزینه‌های خانوارهای بهره‌بردار متکی به مرتع در سطح حوزه مورد مطالعه نشان می‌دهد که میانگین هزینه‌های خانوارهای بهره‌بردار حوزه

معیشتی و یا سایر نیازهای خود را تأمین نماید. در این تحقیق ۵ معیار در نظر گرفته شده است تا بتوان در هر موقع از زمان با توجه به معیارهای تعریف شده تصمیم گیری لازم به عمل آید.

معیار ۱ : اندازه‌ای از دام سبک است که خانوار مرتوع دار بتواند هزینه‌های سالانه خود را با آن تأمین نماید.

معیار ۲ : رویکرد خط فقر نسبی تعیین شده در منطقه مورد مطالعه است.

معیار ۳ : اندازه گله‌ای که بتواند پاسخگوی هزینه‌های سالانه خانوار پس از کسر درآمدهای خارج از مرتع و مشاغل غیردامداری باشد.

معیار ۴ : اندازه‌ای از گله که بتواند درآمدی مناسب با هزینه‌های سالانه خانوارهای روستایی استان چهارمحال و بختیاری را ایجاد کند.

معیار ۵ : نظر سنجی از مرتع‌داران در مورد اندازه مناسبی از گله که بتواند زندگی مناسبی را ایجاد نماید.

پس از تعیین طرفیت تیپ‌های گیاهی مرتوعی و واحدهای بهره‌برداری مرتوعی (سامانه‌های عرفی) با روش‌های مذکور اندازه مناسب گله به ازای اعضای خانوار با توجه به معیارهای ذکر شده براساس شرایط سال ۱۳۸۱ برآورد گردید. با لحاظ کردن مدت زمان حضور دام در مرتع و نیاز روزانه دام به علوفه، سطحی از مرتع که بتواند علوفه مورد نیاز گله‌ای با اندازه تعیین شده را تأمین نماید، مشخص گردید.

نتایج

طرفیت تیپ‌های گیاهی مرتوعی و درآمدهای دامداری
بر اساس این مطالعه در منطقه مورد مطالعه ۱۰ تیپ گیاهی مرتوعی گسترش دارد. در انواع تیپ‌های گیاهی مرتوعی جنس گون، گونه غالب را تشکیل می‌دهد و در ۷ تیپ، گونه گون گزی، گیاه اول تیپ *Astragalus adscendens* گیاهی می‌گردد. مناطقی که دارای پوشش سنگی و سنگریزه زیادی است نیز تفکیک گردیده است. دو گونه گیاهی *Astragalus adscendens* و *Daphne mucronata* از مهم‌ترین گونه‌های گیاهی غالب در تیپ‌های گیاهی هستند و در ۷ تیپ گیاهی موجود در حوزه

جدول ۲. فاکتورهای پوشش سطحی خاک و برداشت معجاز در هر یک از تیپ‌های گیاهی مورد مطالعه

| شماره تیپ | نام تیپ گیاهی | پوشش تاجی و سنگریزه | درصد سنگ لاشبرگ | درصد لخت | حفاظت خاک (%) | وضعیت گرایش | علوّه قابل دسترس دام (کیلوگرم در هکتار) |
|-----------|--------------------|---------------------|-----------------|----------|---------------|-------------|---|
| ۱ | As.sp-An.fo | ۲۰/۱۶ | ۲۳/۱۸ | ۵۶/۰۸ | ۴۳/۹۲ | خیلی ضعیف | ۴۶/۶۵ |
| ۲ | As.ad-Da.mu(1) | ۲۶/۱۸ | ۱۳/۷۳ | ۵۹/۳۵ | ۴۰/۶۵ | خیلی ضعیف | ۳۳/۲۸ |
| ۳ | As.ad-Da.mu(2) | ۳۴/۶۲ | ۶/۶۵ | ۵۷/۲۲ | ۴۲/۷۸ | ضعیف | ۸۹/۳۴ |
| ۴ | As.ad-Ru.sp- Da.mu | ۳۴/۷۱ | ۳/۶۲ | ۵۹/۹۱ | ۴۰/۰۸ | ضعیف | ۹۲/۳۷ |
| ۵ | As.ad-Da.mu-Hu.bu | ۳۸/۰۶ | ۸/۶۱ | ۴۹/۶۹ | ۵۰/۳۱ | متوسط | ۱۷۸/۳ |
| ۶ | As.ad-An.fo-Da.mu | ۲۱/۲۵ | ۸/۱ | ۶۷/۲۳ | ۳۲/۶۶ | خیلی ضعیف | ۵۳/۶ |
| ۷ | As.ad-Da.mu-An.fo | ۲۶/۰۸ | ۹/۵۴ | ۶۲/۷۸ | ۳۷/۲۲ | خیلی ضعیف | ۴۶/۸ |
| ۸ | As.ad-Da.mu-Ci.br | ۳۵/۵۶ | ۱۶/۴۳ | ۴۶/۸۵ | ۵۳/۱۵ | ضعیف | ۷۴/۸۶ |
| ۹ | As.sp-Eu.sp-He.sp | ۱۶/۸۷ | ۳۷/۷۴ | ۴۴/۲۹ | ۵۵/۷۱ | ضعیف | ۲۴/۴۷ |
| ۱۰ | As.sp-Pr.ul | ۲۰/۰۴ | ۳۷/۴ | ۴۱/۴۱ | ۵۸/۰۹ | ضعیف | ۴۹/۹۴ |

جدول ۳. مقایسه هزینه‌ها و درآمدهای سالانه دامداری در یک گله یکصد رأسی در حوزه، ۱۳۸۱ (ارقام به هزار ریال)

| نوع دام | هزینه | درآمد | سود و زیان ویژه | نسبت درآمد به هزینه |
|---------|---------|---------|-----------------|---------------------|
| گوسفند | ۶۲۲۵/۶۶ | ۱۳۳۹۸/۸ | ۷۱۷۳/۱۴ | ۲/۱۵ |
| بز | ۴۱۱۵/۴ | ۹۹۰۷/۷ | ۵۷۹۱/۷ | ۲/۴۱ |

تعیین اندازه مناسب گله

در حال حاضر ترکیب گله‌های گوسفند و بز در منطقه مورد مطالعه شامل ۵/۴۸ درصد گله‌های گوسفند و ۹/۵۹ درصد گله‌های بز و ۸۴/۹۳ درصد گله‌های مخلوط است. به طور میانگین در سطح حوزه تعداد دام مولد گوسفند و بز هر خانوار حدود ۸۰ راس است که در گله‌های مخلوط حدود ۶۲/۶۷ درصد را گوسفند و ۳۷/۳۳ درصد را بز به خود اختصاص داده است، متوسط اندازه گله گوسفند در منطقه مورد مطالعه ۱۱۰/۷ راس و متوسط اندازه گله بز حدود ۶۸ رأس می‌باشد که تعداد دام گوسفند و بز مولد در ترکیب گله‌های مذکور به ترتیب ۵۴ و ۳۳/۳۴ رأس است. تعیین اندازه مناسب گله که بتواند در طول سال درآمد مناسبی ایجاد نماید با در نظر گرفتن معیارهای مختلف متفاوت است. معیارهایی نظیر هزینه‌های سالانه خانوار، معیار هزینه‌های سالانه خانوار با کسر درآمدهای

مذکور نیز معادل ۹۳۸۲ هزار ریال در سال می‌باشد. میانگین بعد هر خانوار ۷/۵ نفر به دست آمده است. میانه آماری هزینه‌های سالانه خانوارها معادل ۸۳۱۲/۵ هزار ریال در سال ۱۳۸۱ است. خانوارهایی که در منطقه مورد مطالعه هزینه‌ای کمتر از ۵۵۴/۹ هزار ریال به ازای هر عضو خانوار در سال دارند، طبق روش ذکر شده فقیر محسوب می‌شوند شاخص و معیار رفاه خانوار در تعیین خط فقر نسبی، نصف میانه آماری هزینه سرانه در نظر گرفته شده است. مقایسه بعد خانوار و هزینه‌های سالانه خانوارهای روستایی در سطح استان چهارمحال و بختیاری و کشور با هزینه‌های سالانه خانوارهای مرتع دار عشايري و روستایی در منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که بعد خانوار از میانگین استان مذکور و کشور بزرگتر و هزینه سالانه خانوارها از میانگین استان مذکور و کشور کمتر است (۱۴ و ۱۵).

جدول ۴. تعیین اندازه مناسب گله با لحاظ معیارهای مختلف در حوزه آبخیز شمالی کوهرنگ

| نوع | معیار ۱ | معیار ۲ | معیار ۳ | معیار ۴ | معیار ۵ | اندازه مناسب گله خانوار (۱) | | | | | | وضع موجود |
|-----------|---------|---------|---------|---------|---------|-----------------------------|-----|-----|-----|-----|-----|-----------|
| | | | | | | گله | گله | گله | گله | گله | گله | |
| گوسفند | ۱۶۳ | ۱۳۶ | ۱۱۳ | ۹۴ | ۳۵۵ | ۲۹۶ | ۲۹۴ | ۲۴۵ | ۶۷ | ۵۶ | | |
| بز | ۲۰۷ | ۱۴۸ | ۱۴۲ | ۱۰۲ | ۴۵۳ | ۳۲۵ | ۳۳۵ | ۲۴۱ | ۷۴ | ۶۱ | | |
| مخلوط (۲) | ۱۸۱ | ۱۴۲ | ۱۲۴ | ۹۸ | ۳۹۴ | ۳۱۰ | ۳۲۴ | ۲۵۵ | ۱۷۸ | ۱۴۰ | | |

(۱) بعد خانوار ۷/۵ نفر است.

(۲) نسبت گوسفند به بز در گله مخلوط ۳ به ۲ است

جدول ۵. توزیع فراوانی اندازه واحدهای عرفی در حوزه آبخیز کوهرنگ شمالی

| طبقات اندازه (هکتار) | فراوانی مطلق | فراوانی تجمعی (%) | میانگین طبقات |
|----------------------|--------------|-------------------|---------------|
| < ۵۰۰ | ۸ | ۸ | ۱۷/۴ |
| ۵۰۱-۱۰۰۰ | ۱۱ | ۱۹ | ۴۱/۳ |
| ۱۰۰۱-۱۵۰۰ | ۱۰ | ۲۹ | ۶۳/۰۴ |
| ۱۵۰۱-۲۰۰۰ | ۵ | ۳۴ | ۷۳/۹۱ |
| ۲۰۰۱-۲۵۰۰ | ۶ | ۴۰ | ۸۶/۹۵ |
| ۲۵۰۱-۳۰۰۰ | ۴ | ۴۴ | ۹۵/۶۵ |
| ۳۰۰۱-۳۵۰۰ | ۱ | ۴۵ | ۹۷/۸۲ |
| ۳۵۰۱-۴۰۰۰ | ۱ | ۴۶ | ۱۰۰ |
| > ۴۰۰۰ | | | |

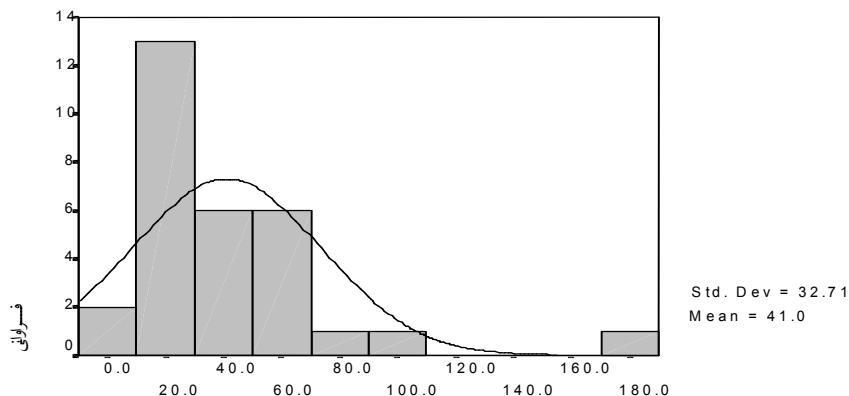
شمالی رودخانه کوهرنگ را بیان می‌نماید. بر اساس جدول فوق، بیشترین فراوانی اندازه سامان‌های عرفی بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ هکتار است. حدود ۴۱/۳ درصد از واحدهای عرفی اندازه‌ای کمتر از ۱۰۰۰ هکتار را دارا هستند. جدول (۶) توزیع فراوانی سهم هر خانوار از اراضی مرتّعی قابل استفاده دام را در ۳۰ سامان عرفی منتخب نشان می‌دهد. بر اساس جدول مذکور، ۵۰ درصد خانوارهای موجود کمتر از ۳۰ هکتار مرتّع قابل استفاده دام، در اختیار دارند میانگین تعداد بهره بردار یا خانوار دامدار در هر سامان عرفی نمونه معادل ۳۶/۸ خانوار است. میانگین سهم هر خانوار نمونه از اراضی مرتّعی قابل استفاده دام معادل ۴۱/۰۳ هکتار است که در این رابطه سهم هر خانوار نمونه از کل اراضی مرتّعی در هر سامان عرفی معادل ۵۴ هکتار می‌باشد. و در این

خارج از مرتّع، و یا معیار خط فقر نسبی در حوزه مورد مطالعه اندازه‌های متفاوتی از گله را بیان می‌دارد. بر اساس جدول (۴) اندازه گله با ترکیب مناسبی از دام مولد، دام جایگزین، دام نر و درصد بره یا بزغاله گیری محاسبه شده است. این ترکیب شامل ۴۶ درصد دام مولد، ۲ درصد دام نر، یک درصد دام نر جایگزین، ۱۰ درصد دام ماده جایگزین و ۴۱ درصد میزان بره یا بزغاله (حدود ۹۰ درصد بره گیری) است. محاسبه اندازه گله بر حسب واحد دامی بر اساس نوع و ترکیب دام در گله تعیین شده است.

اندازه واحدهای مرتّعی و سهم خانوار از مرتّع
جدول (۵) فراوانی اندازه سامان‌های عرفی در سطح حوزه آبخیز

جدول ۶. توزیع فراوانی سهم خانوار از اراضی مرتعی قابل استفاده دام در هر واحد عرفی در حوزه مورد مطالعه

| طبقات اندازه (هکتار) | فرآوانی مطلق | فرآوانی تجمعی (%) | فرآوانی نسبی تجمعی (%) | میانگین طبقات |
|----------------------|--------------|-------------------|------------------------|---------------|
| ۵-۱۰ | ۲ | ۲ | ۶/۷ | ۷/۵ |
| ۱۰/۱-۳۰ | ۱۳ | ۱۵ | ۵۰ | ۲۰ |
| ۳۰/۱-۵۰ | ۶ | ۲۱ | ۷۰ | ۴۰ |
| ۵۰/۱-۷۰ | ۶ | ۲۷ | ۹۰ | ۶۰ |
| ۷۰/۱-۹۰ | ۱ | ۲۸ | ۹۳/۳ | ۸۰ |
| ۹۰/۱-۱۱۰ | ۱ | ۲۹ | ۹۶/۷ | ۱۰۰ |
| ۱۱۰/۱-۱۹۰ | ۱ | ۳۰ | ۱۰۰ | ۱۵۰ |



نمودار ۱. توزیع فراوانی سهم هر خانوار از مرتع در وضع موجود در منطقه مورد مطالعه

تعیین اندازه مناسب سهم خانوار از مرتع با لحاظ عوامل اکولوژیکی - اقتصادی اجتماعی

با در نظر گرفتن اندازه مناسب گله با معیارهای مختلف، در جدول ۸ اندازه مناسب مرتع به ازای هر خانوار در طول مدت قانونی استفاده دام از علوفه مرتعی تعیین می‌گردد. با توجه به این مهم که قلمرو تحقیق در منطقه بیلاقی است و فصل چرای دام در این مناطق نیز دارای محدودیت‌های محیطی از یک سو و محدودیت‌های فنی از سوی دیگر است، مجوزهای قانونی صادره جهت چرای دام یکصد روز است و اندازه مناسب مرتع هر خانوار تابع انداز مناسب گله می‌باشد و در تعیین اندازه مناسب مرتع عامل اندازه مناسب گله اثر بیشتری نسبت به سایر عوامل دارد، لذا باید اندازه مناسب گله براساس هزینه‌های سالانه خانوار استوار باشد حال این اندازه در مرتع بیلاقی مساحت مشخصی از مرتع را نیاز

رابطه نمودار (۱) توزیع فراوانی نسبی سهم خانوار از اراضی مرتعی قابل استفاده را در حوزه مورد مطالعه نشان می‌دهد. طبق منحنی مذکور، چولگی به سمت راست است و به عبارتی میانگین داده‌ها از میانه و مد بزرگتر است. حداقل و حداکثر اندازه مرتع که در اختیار یک خانوار بهره بردار قرار دارد به ترتیب، سطحی معادل ۷/۵۲ و ۱۷۴/۲ هکتار است. جدول (۷) اطلاعات آماری مربوط به توزیع فراوانی سهم خانوار از مرتع یا به عبارتی اندازه‌ای از مرتع که در اختیار خانوار در حال حاضر در منطقه مورد مطالعه است را بیان می‌کند. مقایسه میانگین سهم هر خانوار از اراضی مرتعی قابل استفاده دام در منطقه مورد مطالعه با برخی از سایر مطالعات انجام شده در کشور بیانگر این موضوع است که اندازه مذکور در منطقه مورد مطالعه کمتر است. (۱۱ و ۱۱).

جدول ۷. اطلاعات آماری مربوط به توزیع فراوانی سهم هر خانوار از اراضی مرتّعی در وضع موجود (هکتار)

| میانگین | میانه | مد | حداصل | حداکثر | انحراف معیار | ۳۲/۷ |
|---------|-------|----|-------|--------|--------------|------|
|---------|-------|----|-------|--------|--------------|------|

جدول ۸. اندازه مناسب واحدهای مرتّعی به ازای هر خانوار در طول مدت قانونی استفاده از مراتع *

| نوع گله | اندازه مناسب واحد مرتّعی (هکتار) | میانگین | معیار ۵ | معیار ۴ | معیار ۳ | معیار ۲ | معیار ۱ |
|-----------|----------------------------------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|
| گوسفند | ۴۹۸ | ۶۰۸/۶ | ۸۹۷ | ۱۰۸۴ | ۳۴۴ | ۲۲۰ | ۷۸۳ |
| بز | ۵۴۲ | ۶۴۶ | ۸۸۳ | ۱۱۹۰ | ۳۷۳ | ۲۴۲ | ۱۳۲ |
| مخلوط (۱) | ۵۲۰ | ۶۳۶/۴ | ۹۳۴ | ۱۱۳۵ | ۳۵۹ | ۲۳۴ | ۸/۵ |

(۱) نسبت گوسفند به بز در گله مخلوط سه به دو می‌باشد.

و تعریف شده واحدهای بهره‌برداری مرتّعی به ازای هر خانوار در سطح ۵ درصد معنی دار است. هم‌چنین معیارهای تعریف شده نیز در سطح ۵ درصد بر روی اندازه مناسب اراضی مرتّعی معنی دار است. نتایج بیان می‌نماید که در حال حاضر سهم هر خانوار از اراضی مرتّعی پاسخگوی نیازهای دام نمی‌باشد که با نتایج اکثر تحقیقات صورت گرفته در کشور این نتایج همخوانی دارد (۲) و (۱۱). از طرفی به لحاظ پایین بودن توان بوم شناختی مراتع این سطح باید در وضع موجود ارتقاء و افزایش یابد. از طرفی مطالعات مربوط به پوشش گیاهی مراتع منطقه مورد مطالعه این موضوع را نشان می‌دهد که ظرفیت و توان تولیدی بالقوه مراتع منطقه با سهم هر خانوار از اراضی مرتّعی در وضع موجود همخوانی دارد (۳). این سخن به این معنا است که تعداد خانوار و اندازه گله خانوار در هر واحد مرتّعی در گذشته مناسب بوده است اما به لحاظ عدم رعایت اصول مراتع داری و استفاده نامناسب از اراضی مرتّعی، عوامل تخریبی شدت و قوت گرفته است و بین تعداد مناسب بهره‌بردار و اندازه مناسب واحدهای مرتّعی که بتواند نیازهای دام خانوار را تأمین کند فاصله افتاده است و در صورت ادامه عوامل تخریبی این فاصله عمیق‌تر می‌گردد و به عبارت دیگر تعداد بهره‌بردار و اندازه گله خانوار در هر سامان عرفی تا حدودی ثابت مانده ولیکن توان تولیدی مراتع کاهش یافته است؛ لذا کاهش فاصله بین ظرفیت فعلی و ظرفیت

دارد که در قشلاق با توجه به توان اکولوژیکی مراتع قشلاقی و مدت چرای دام سطح دیگری را طلب می‌نماید. اکثر دامداران عشاپری دارای مراتع قشلاقی در استان خوزستان هستند. سه سیستم دامداری شامل سیستم عشاپری با ۷۸۳ درصد و سیستم روستایی با ۸/۵ درصد و سیستم عشاپری روستایی با ۱۳/۲ درصد در منطقه مورد مطالعه وجود دارد که در سیستم عشاپری روستایی دام در زمستان همراه برخی از اعضاء خانواده به قشلاق کوچ کرده و برخی از اعضاء خانواده در بیلاق در منزل مسکونی ثابت اقامت دارند. میانگین تولید علوفه خشک مجاز قابل برداشت تیپ‌های مرتّعی به طور میانگین معادل ۵۴/۵۹ کیلوگرم در هر هکتار است بر اساس اطلاعات مندرج در جدول مذکور حداصل اندازه مراتع جهت چرای یک گله بز در طول یکصد روز معادل ۳۷۳ هکتار است. این اندازه برای یک گله گوسفند معادل ۳۴۴ هکتار است. اندازه لازم جهت چرای دام یک گله مخلوط از گوسفند و بز با ترکیب سه به دو گوسفند به بز معادل ۳۵۹ هکتار در بیلاق برای یکصد روز است که اندازه‌های ذکر شده در معیار هزینه‌های سالانه با کسر درآمدهای خارج از مراتع برآورد گردیده است.

بحث

طبق اطلاعات مندرج در جدول تجزیه واریانس دو طرفه شماره (۹) مشخص می‌گردد که تأثیر تیپ‌های گیاهی در اندازه مناسب

جدول ۹. تجزیه واریانس دو طرفه اندازه مناسب اراضی مرتعی به ازای هر خانوار بهره بردار

| منابع تغییرات | درجه آزادی | مجموع مربعات | میانگین مربعات | F | P value |
|---------------|------------|--------------|----------------|-------|---------|
| تیپ های گیاهی | ۹ | ۳۳۰۱۷۸۳/۶ | ۳۶۶۸۶۴/۵ | ۱۳/۷۵ | ۰/۰۰ |
| معیارها | ۴ | ۳۷۳۳۲۹۹/۵ | ۹۳۳۳۲۴/۸۸ | ۳۴/۹۸ | ۰/۰۰ |
| خطا | ۳۶ | ۹۶۰۳۹۸ | ۲۶۶۷۷/۷ | - | - |
| کل | ۴۹ | ۷۹۹۵۴۸۱/۱ | - | - | - |

است، به طوری که اندازه مناسب واحدهای مرتعی در گله‌ای بانسبت سه به دو گوسفند به بز در میانگین معیارهای ذکر شده بر اساس جدول (۸) حدود ۶۳۴/۴ هکتار در منطقه مورد مطالعه برای یک دوره چرایی یکصد روزه تعیین می‌شود.

پیشنهادات

- ۱- این بررسی نشان می‌دهد با توجه به سهم هر خانوار از مرتع، باید تعدادی از بهره برداران از مرتع خارج شوند.
- ۲- توسعه مشاغل خارج از مرتع و افزایش درآمد ناخالص سرانه خانوار در طول سال باعث کاهش وابستگی خانوارهای مرتعدار به مرتع می‌گردد. لذا توسعه و تنوع مشاغل خارج از مرتع مورد توجه قرار گیرد.
- ۳- اصلاح و بهبود ترکیب گله‌های گوسفند و بز و همچنین اصلاح نژاد دام‌های مذکور، اجرای برنامه‌های مناسب در جهت افزایش درآمدهای حاصل از فرآورده‌های دامی و کاهش هزینه‌های گله داری متکی به مرتع در دستور کار بخش‌های ذیربیط قرار گیرد.
- ۴- با اجرای برنامه‌های اصلاح و احیایی در مرتع باعث افزایش توان تولیدی و ارتقاء وضعیت مرتع و ظرفیت زایی در تیپ‌های گیاهی می‌گردد و اندازه مناسب واحدهای مرتعی کاهش یافته و در نتیجه تعداد دام پیشتری می‌توانند از مرتع استفاده نمایند.

بالقوه اراضی مرتعی با تعدیل عوامل تخریبی حاکم در مرتع و ایجاد مشاغل خارج از مرتع باید مورد توجه قرار گیرد. این بررسی نشان داد که دامداران با سطح مرتع کمتر با داشتن تعداد دام بیشتر چرای مفرط را بر مرتع اعمال می‌کنند که این نکته مشابه سایر بررسی‌های انجام شده است (۱، ۵ و ۸). همچنین خانوارهایی که مرتع وسیع تر در اختیار دارند یعنی سهم سرانه هر خانوار از مرتع بیشتر است مرتع آنها دارای وضعیت بهتری است که نتیجه به دست آمده با برخی از پژوهش‌های انجام شده مشابه است (۸ و ۱۰). موافق نتایج سایر بررسی‌های انجام شده (۶ و ۹)، با معیارهای متفاوت در مناطق مختلف سطح مرتع برای تأمین هزینه خانوار متغیر است همچنین دامداری متکی به مرتع در منطقه نمی‌تواند معیشت مناسبی را برای خانوار تأمین نماید و مشابه سایر بررسی‌ها (۵) باید در منطقه ایجاد کار جنبی نمود تا برای رفع بخشی از نیاز مرتع دار، فشار از مرتع برداشته شود. علی‌رغم این که نیاز غذایی گوسفند نسبت به بز بیشتر است ولیکن به لحاظ بالاتر بودن درآمد و سود در گله‌های گوسفندی، سطح کمتری از مرتع را نسبت به گله بز و گله مخلوط گوسفند و بز به خود اختصاص می‌دهد.

نتیجه‌گیری

هر یک از معیارها و سطوح معاش تعریف شده و ترکیب گله اندازه متفاوتی از مرتع را بیان می‌کند و این اندازه با توجه به توان و شرایط اکولوژیکی مرتع در مناطق مختلف متفاوت

منابع مورد استفاده

۱. ارزانی، ح. م، مهرابی، ح، آذرنیوند، و، نیکخواه، ۱۳۸۳. حداقل مساحت مورد نیاز دامداران عشاپری استان لرستان. چکیده مقالات سومین همایش ملی مرتع و مرتع‌داری، (۳۴۵)، انتشارات موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مرتع کشور، صفحه ۱۶۷.

۲. ارزانی، ح. و غ. سنجری. ۱۳۷۸. بررسی مراعع عشايرکوچ رو سیستانی به منظور دستیابی به تعادل دام و مرتع، مجله منابع طبیعی ایران، ۵۲(۲): ۳-۱۸.
۳. بصیری، م.، س. ج. خواجه الدین. ۱۳۶۶. مطالعه پوشش گیاهی و ارزیابی مراعع قسمتی از شهرستان فارسان، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۴. حسن زاده، م. ۱۳۸۰. مطالعه نظامهای ستی بهره‌برداری از مراعع بیلاقی منطقه سرعلی آباد از شهرستان گرگان. چکیده پایان نامه‌های کارشناسی ارشد رشته مرتع‌داری، دفتر فنی مرتع سازمان جنگل‌ها و مرتع کشور، جلد ۲، ص ۴۵ تا ۴۶.
۵. دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران. ۱۳۷۹. سازمان جنگل‌ها و مرتع کشور، طرح تعیین اندازه‌های اقتصادی و واحدهای اجتماعی پایه مرتعداری. جلد ۵-۲، مطالعات تعیین هزینه خانوار و نحوه تخصیص اعتبار، دانشگاه تهران، وزارت جهاد سازندگی، ۷۴ صفحه.
۶. دهقان، ا. ۱۳۷۶. مدیریت پایدار اراضی، مجموعه مقالات توسعه پایدار کشاورزی. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، شماره ۴، ص ۲۰۵ تا ۲۱۳.
۷. رفیع پور، ف. ۱۳۸۰. کندوکارها و پنداشته‌ها، مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی. شرکت سهامی انتشار، ۴۷۷ صفحه.
۸. رنگاوران، ر. ۱۳۷۹. بررسی اثر تعداد بهره‌بردار و مساحت مرتع واگذار شده بر روی وضعیت مرتع در آذربایجان شرقی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. رونالد، دی، ک. ۱۳۷۰. (ترجمه ارسلان بد، م)، مدیریت واحدهای کشاورزی و منابع طبیعی، برنامه‌ریزی و کنترل. دانشگاه ارومیه، ۵۶۱ صفحه.
۱۰. سازمان جنگل‌ها و مرتع کشور، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. ۱۳۷۶. بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فنی مؤثر به حفظ یکپارچگی و یکپارچه سازی طرح‌های مرتعداری در استان‌های فارس و کهکیلویه و بویر احمد. جلد سیزدهم، عوامل اقتصادی مؤثر به حفظ یکپارچگی و یکپارچه سازی در استان فارس، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۹۶، ۱۹۶ صفحه.
۱۱. سازمان جنگل‌ها و مرتع کشور، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. ۱۳۷۶. بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فنی مؤثر به حفظ یکپارچگی و یکپارچه سازی طرح‌های مرتع‌داری در استان‌های فارس و کهکیلویه و بویر احمد. جلد شانزدهم، ستز، دانشگاه تهران، ۲۲۸، ۲۲۸ صفحه.
۱۲. عمیدی، ع. ۱۳۷۸. نظریه نمونه‌گیری و کاربردهای آن. جلد اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۱۳. مرکز آمار ایران. ۱۳۷۷. اندازه شاخص‌های فقر و نابرابری توزیع درآمد در ایران طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۷۵. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۶۴ صفحه.
۱۴. مرکز آمار ایران. ۱۳۷۹. نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۹۲ صفحه.
۱۵. مرکز آمار ایران. ۱۳۸۱. شاخص‌های کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی کشور ($1374=100$)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۲۶ صفحه.
۱۶. مصدقی، م. ۱۳۷۲. مرتعداری در ایران. چاپ اول، آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۷. مهندسین مشاور زومار. ۱۳۷۶. مطالعات منابع طبیعی تجدید شونده حوزه آبخیز رودخانه‌های کوهرنگ و آبکیار واقع در استان چهارمحال و بختیاری. جلد ۱، فیزیوگرافی، دفتر مطالعات و هماهنگی سازمان جنگل‌ها و مرتع کشور، ۴۷۵ صفحه.
18. Boon, R. B. and M. B. Coughenour. 2001. A system for integrated management and assessment of East African

- pastoral lands. Colorado State University and University of Nairobi.,123pp.
19. M. Dombois and H. Ellenberg. 1974. Aims and methods of vegetation ecology, John, Wiley & Sons. New York., 547pp.
20. Tomlinson, K. W., J. W. Hearn, R. R. Alexander. 2002. An approach to evaluate the effect of property size on land use options in semi-arid rangelands. Ecological Modelling 149: 85-95.